

# واژه‌نامه مفاهیم رهانی

## پیشگفتار

این واژه‌نامه در بر دارنده توضیح معانی واژه‌هایی است که مخصوص به مفاهیم رهانی می‌باشند. بیشتر واژه‌ها و توضیحات در این واژه‌نامه انعکاسی مستقیم از واژه‌ها و مطالب مطرح شده در پراگماتیک و لی، در این جا واژه‌ها و توضیحات اضافی نیز آمده است. تلفظ واژه‌ها در این واژه‌نامه با حروف الفبای انگلیسی نشان داده شده است. هم‌چنین، معادل انگلیسی واژه‌ها داده شده است.

هشیار نوشین

مرداد 1383

بازنگری شد: آذر 1384، آذر 1385

## اختیار (ekhtiyaar) [معادل انگلیسی: free will]

اختیار به معنی توانایی تصمیم‌گیری یک موجود زنده است. رجوع شود به پدیده.

## انسان رهانی (ensaan e rahaani) [معادل انگلیسی: Rahanist]

انسان رهانی کسی است که راه رهانی را برای زندگی خود برگزیده است. انسان رهانی کسی است که به فلسفه رهانی اعتقاد دارد و می‌خواهد که زندگی‌اش سازگار با این فلسفه باشد.

## بنداشت (bondaasht) [معادل انگلیسی: axiom]

در میان باورهای فلسفه رهانی سه باور محوری وجود دارند که هر یک از آنها یک بنداشت خوانده می‌شود. واژه بنداشت به معنی یک اصل پایه‌ای و یک باور بنیادی است که اعتقاد به آن، به طور عمده، بر مبنای احساسی است و نه اثبات استدلالی. بنداشتهای سه‌گانه رهانی عبارتند از بنداشت جهان که در پراد یکم آمده است، بنداشت همداد که در پراد دوم آمده است و بنداشت پیمانی که در پراد پنجم آمده است:

- بنداشت جهان، به گونه‌ای نمادین، منعکس‌کننده این باور است که جهان در هم بافته مجموعه ایست خودجوش و خودگرد از پدیده‌های در حال دگرگونی و یک انسان پاره کوچکی است از این مجموعه. این بنداشت جهان را به اقیانوسی جوشنده و خروشنده تشبیه می‌کند و یک انسان را قطره‌ای از این اقیانوس تصویر می‌کند.
- بنداشت همداد بیانگر این باور است که جوامع بشری در مسیرهایی پر از فراز و نشیب به سوی یک نظام اجتماعی آرمانی در حرکتند. این نظام اجتماعی آرمانی به نام همداد خوانده می‌شود.
- بنداشت پیمانی بیانگر این باور است که انسان می‌تواند، با تکیه بر توانایی‌های ذهنی سرشته در خود، مسیر پرپیچ و خم زندگی را با متانت و استواری ببیماید.

## بنیاده (bonyaade) [معادل انگلیسی: radicon]

عوامل شکل‌دهنده جهان عبارتند از پنایه، فضا، زمان و مجموعه قوانین طبیعی و هر یک از این چهار عامل یک بنیاده خوانده می‌شود. بنیاده‌ها از یکدیگر مستقل نبوده و با هم سخت وابسته‌اند. بنیاده‌ها شکل‌دهنده همه پدیده‌ها هستند ولی وجودی جدا از پدیده‌ها ندارند. بنیاده‌ها در متن پدیده‌ها بافته هستند.

واژه «بنیاده» گرفته شده است. معانی واژه‌های فضا، زمان و قوانین طبیعی، به صورتی که در مفاهیم رهانی به کار رفته‌اند، فرقی با معانی معمول این واژه‌ها ندارند. ولی، واژه «بنیاده» مخصوص به مفاهیم رهانی و به معنی مصالح پایه‌ای سازنده جهان می‌باشد (رجوع شود به پنایه).

### پایمانی (paaymaani) [معادل انگلیسی: resilience]

در فلسفه رهانی، پایمانی به معنی این قدرت است که انسان، با تکیه بر توانایی‌های ذهنی‌اش، در مسیر زندگی بر پای خود استوار باشد. پایمانی به این معنی است که انسان بتواند به خود آرامش بدهد، در خود امید بدمد، برای روبرو شدن با پیچیدگی‌های زندگی راه بیابد، با سختیها بر دبارانه برخورد کند، با بیماری با امید به بهبودی مواجه شود، ... از نظر واژه‌ای، پایمانی به معنی «بر پای خود ماندن» است.

### پدیده (padide) [معادل انگلیسی: phenomenon]

هر چیزی در جهان بجز بنیاده‌ها یک پدیده است. یک سنگریزه یک پدیده است. یک درخت یک پدیده است، ارتفاع درخت یک پدیده است و روییدن درخت یک پدیده است. یک پرندۀ یک پدیده است، پریدن پرندۀ یک پدیده است و زنده بودن پرندۀ یک پدیده است.

پدیده‌هایی چون سنگریزه و درخت و پرندۀ پدیده‌های «پنایی» (panaayi) خوانده می‌شوند. این گونه پدیده‌ها از پنایه در متن فضا و زمان و بر حسب قوانین طبیعی شکل می‌یابند. پدیده‌هایی چون ارتفاع درخت و زنده بودن پرندۀ اثرهایی هستند از پدیده‌های پنایی ولی خود از پنایه شکل نیافته‌اند. این گونه پدیده‌ها «فرپنایی» (faraapanaayi) خوانده می‌شوند.

هر پدیده با بسیاری پدیده‌های دیگر به گونه‌های گوناگون بستگی دارد. هر پدیده بر روی بسیاری پدیده‌های دیگر اثر می‌گذارد و خود تحت تأثیر بسیاری پدیده‌های دیگر قرار می‌گیرد. هر پدیده در متن پدیده‌هایی دیگر به وجود می‌آید و خود در به وجود آمدن پدیده‌هایی دیگر نقش دارد.

پدیده‌ای که وجودش در ذهن است یک پدیده «ذهنی» (zehni) خوانده می‌شود. احساس آرامش یک پدیده ذهنی است و تصویر درخت در ذهن یک پدیده ذهنی است. در واقع، هر احساسی یک پدیده ذهنی است و تصویر هر چیزی در ذهن و یا تصور هر چیزی یک پدیده ذهنی است. هر پدیده ذهنی یک پدیده فرپنایی است ولی هر پدیده فرپنایی یک پدیده ذهنی نیست. برای مثال، ارتفاع درخت و سن درخت پدیده‌هایی فرپنایی هستند ولی ذهنی نیستند. در فارسی، واژه «ذهنی» را می‌توان به معنی «تخیلی» در مقابل «عینی» به کار برد [معادل انگلیسی: subjective]. ولی در مبحث کنونی، واژه «ذهنی» به معنی کلی «مربوط به ذهن» به کار رفته است [معادل انگلیسی: mental].

پدیده‌ای که یک کنش، حرکت یا تغییر است یک پدیده «فرایشی» (faraayeshi) خوانده می‌شود. روییدن یک درخت، پریدن یک پرندۀ، تغییر دمای یک قطره باران، فرسوده شدن یک سنگریزه و چرخیدن یک کلهکشان مثالهایی از پدیده‌های فرایشی هستند. هر پدیده فرایشی یک پدیده فرپنایی است ولی هر پدیده فرپنایی یک پدیده فرایشی نیست. برای مثال، یک اندیشه یک پدیده فرپنایی (ذهنی) است ولی فرایشی نیست، گو اینکه اندیشیدن یک پدیده فرایشی است.

یک پدیده پنایی آثاری دارد که بعضی از آنها پنایی و بعضی دیگر فرپنایی هستند. یک پدیده فرپنایی نیز دارای آثاری پنایی و فرپنایی است. احساس گرسنگی پرندۀ، که یک پدیده فرپنایی است، یکی از اثرهای زنده بودن پرندۀ است، که خود پدیده‌ای فرپنایی است. زنده بودن پرندۀ اثرهای پنایی فراوانی نیز دارد. برای مثال، لانه پرندۀ که یک پدیده پنایی است، اثری از زنده بودن پرندۀ است.

یک پدیده می‌تواند اثر تعدادی پدیده باشد: لانه پرندۀ اثری است از تلاش بدنی پرندۀ برای ساختن لانه، اثری است از تکه‌های موادی که برای ساختن لانه به کار رفته‌اند، اثری است از روش سازی پرندۀ که در متن سلسله‌درازی از نسلهای پرندۀ تحول یافته است، ...

وجود یک پدیده در لحظه حال است. حالتی که پدیده پیش از لحظه حال داشته است دیگر وجود ندارد و حالتی که پدیده بعد از لحظه حال خواهد داشت هنوز شکل نیافته است. از سوی دیگر، حالت یک پدیده در لحظه حال نتیجه تحولات آن پدیده در گذشته است. در واقع، هر پدیده حاصلی از گذشته است ولی

خود «گذشته» فقط در ذهن وجود دارد. به عبارت دیگر، گذشته یک پدیده ذهنی است. هم چنین، «آینده» یک پدیده ذهنی است که بر اساس پیش بینی ها، انتظارات، تخیلات، امیدها و بیم ها در متن تجارب گذشته وجود دارد.

هر پدیده آغاز و پایانی دارد ولی جهان که در بردارنده همه پدیده هاست بی آغاز و بی پایان است. جهان، در هر لحظه، در بردارنده همه پدیده هایی است که در آن لحظه وجود دارند (و با در برداشتن همه پدیده ها همه بنیاده ها را نیز در بردارد، زیرا که بنیاده ها در متن پدیده ها بافته هستند). بی آغاز و بی پایان بودن جهان بدین معنی است که جهان در هر لحظه گذشته وجود داشته است، در لحظه حال وجود دارد و در هر لحظه آینده وجود خواهد داشت. جهان بی آغاز و بی پایان است زیرا که نمی تواند از «هیچ» پدید آمده باشد (پس نمی تواند آغاز داشته باشد) و نمی تواند به «هیچ» تبدیل شود (پس نمی تواند پایان داشته باشد).

هر پدیده پیوسته در حال تغییر است و چگونگی این تغییر را ترکیبی از «جبر و احتمال» تعیین می کند. در این مبحث، منظور از «جبر» اینست که تغییر در یک پدیده بر حسب شرایطی صورت می گیرد که قوانین طبیعی، خود آن پدیده و پدیده های محیطش ایجاد کرده اند (این شرایط به نام «شرایط جبری» خوانده می شوند). هم چنین، منظور از «احتمال» اینست که برای یک پدیده، در هر لحظه، ممکن است بیش از یک حالت تغییر با شرایط جبری سازگار باشد و اینکه کدام یک از این حالات تغییر در عمل پیش بیاید بر مبنای احتمال است (پیش آمدن هر یک از این حالات دارای درجه ای از احتمال است). به طور معمول، در هر لحظه، تغییر در یک پدیده می تواند متشکل از بسیاری تغییرات با درجات مختلف وابستگی بهم باشد و هر یک از این تغییرات می تواند دارای حالات ممکن مختلفی با درجات مختلف احتمال پیش آمدن باشد. هم چنین، برای یک پدیده، تغییرات احتمالی که در عمل در لحظه ای پیش آمده اند، در لحظه بعد اجزایی از شرایط جبری می شوند، و این شرایط جبری بر احتمالات لحظه بعد اثر می گذارند، ... و این چرخه ادامه می یابد. پس، جبر و احتمال پیوسته در حال اندرکنش اند.

جبر و احتمال یک قانون طبیعی را تشکیل می دهند که در متن آن هرگونه تغییر در پدیده ها صورت می گیرد. این تغییرات شامل به وجود آمدن و پایان یافتن پدیده ها نیز می شوند. در واقع، همه وقایعی که در جهان اتفاق می افتند چیزی جز تغییرات در پدیده ها نیستند. از سوی دیگر، هر پدیده در ایجاد شرایط جبری مربوط به تغییر خود و پدیده های محیطش نقش دارد. پس، هر پدیده بازیگری در صحنه جبر و احتمال است. به عبارت دیگر، رابطه پدیده ها با جبر و احتمال دوطرفه است. از طرفی، پدیده ها در متن جبر و احتمال به وجود می آیند، مسیرهای خود را می پیمایند و از میان می روند و، از طرف دیگر، پدیده ها در فرایند جبر و احتمال (فرایند حاصل از عملکرد قانون جبر و احتمال) نقش دارند. در مورد یک پدیده جاندار با توانایی تصمیم گیری (انسان یا غیر انسان)، بخشی از اثر پدیده در فرایند جبر و احتمال از طریق تصمیم گیریهایش اعمال می شود. به عبارت دیگر، «اختیار» (توانایی تصمیم گیری) یک موجود زنده در فرایند جبر و احتمال نقش دارد. تصمیم گیریهای یک موجود زنده، به طور معمول، با این هدف هستند که شرایطی که برای آن موجود دلخواهند پیش بیایند و یا اینکه احتمال پیش آمدن شرایط دلخواه افزایش یابد.

پدیده پنهانی (padide ye panaayi) [معادل انگلیسی: primonic phenomenon]  
یک پدیده پنهانی پدیده ایست که از پنهان شکل گرفته است. رجوع شود به پدیده.

پدیده ذهنی (padide ye zehni) [معادل انگلیسی: mental phenomenon]  
یک پدیده ذهنی پدیده ایست که وجودش در ذهن است. رجوع شود به پدیده.

پدیده فرآیند (padide ye faraapanaayi) [معادل انگلیسی: proprimonic phenomenon]  
یک پدیده فرآیندی پدیده ایست که از پنهان شکل نیافتاده است. رجوع شود به پدیده.

پدیده فرآیندی (padide ye faraayeshi) [معادل انگلیسی: transcessional phenomenon]  
یک پدیده فرآیندی پدیده ایست که یک کنش، حرکت یا تغییر است. رجوع شود به پدیده.

پراد (paraad) [این واژه در انگلیسی هم به کار رفته و به صورت Parad نوشته می‌شود] مبانی فلسفه رهانی در پنج بخش مطرح شده‌اند و هر یک از این بخشها یک پراد خوانده می‌شود. نوشته‌ای که پرادها را در بر دارد پرادگان نام دارد. چکیده مطالب مطرح شده در پرادها به صورت زیر است:

- پراد یکم در بردارنده تعبیری فلسفی از جهان است. این تعبیر فلسفی شامل تصویری از ساختار کلی جهان و نشان دهنده جایگاه انسان در این ساختار است.
- پراد دوم در بر دارنده یک تئوری بنیادی در باره تحولات جوامع بشری است. بر اساس این تئوری، تحولات یک جامعه بشری بر از تلاطم و نوسانند ولی بر آیند در از مدت این تحولات دارای جهت گیری به سوی یک نظام اجتماعی آرمانی است. این نظام اجتماعی آرمانی هم‌داد خوانده می‌شود. بخشی از مطالب مطرح شده در پراد دوم در باره مسئولیتهای سیاسی-اجتماعی و رابطه میان این مسئولیتهای با اعتقادات فلسفی است. هم چنین، در دنباله پراد دوم، نکاتی در باره سازمانهای جهانی و مسئولیتهای این سازمانها مطرح شده‌اند.
- پراد سوم در باره روابط انسانی و نقش اخلاق، قانون و سنت در جوامع بشری است. در این پراد علل پدیدار شدن و تحول اخلاق، قانون و سنت و نحوه‌های مناسب برخورد یک انسان با این مفاهیم تشریح شده‌اند.
- پراد چهارم در باره نقش دانش، هنر و ورزش در جوامع بشری است. این پراد مشوق دانش اندوزی و دانش پروری، هنردوستی و هنروری و ورزش دوستی و ورزشکاری است. در دنباله پراد چهارم، نکاتی در باره دانسته‌ها و ندانسته‌ها و نحوه‌های مناسب برخورد با آنها مطرح شده‌اند.
- پراد پنجم در باره این واقعیت است که یک انسان می‌تواند با تکیه بر توانایی‌های ذهنی خود با امید و متانت زندگی کرده و با سختیها و پیچیدگیها به گونه‌هایی مناسب روبرو شود. در این پراد، روشهایی برای آرامش یافتن، روبرو شدن با مشکلات و مواجهه با بیماری مطرح شده‌اند. در دنباله پراد پنجم، برخی از دیدهای رهانی در باره زندگی تشریح شده‌اند.

#### پرادبند (paraadband) [معادل انگلیسی: Paracord]

واژه «پرادبند» به معنی یک پاراگراف پرادگان است. برای مشخص کردن یک پرادبند می‌توان بخشی از آغاز پرادبند را آورد. برای مثال، برای اشاره به پاراگراف سوم پراد یکم می‌توان گفت: پرادبند «هر چیزی در جهان بجز بنیاده‌ها ...».

پرادگان (paraadgaan) [این واژه در انگلیسی هم به کار رفته و به صورت Paradgan نوشته می‌شود] پرادگان نام نوشته ایست که در بردارنده مبانی فلسفه رهانی است. پرادگان شامل پنج بخش است و هر یک از این بخشها یک پراد خوانده می‌شود. واژه‌های پراد و پرادگان واژه‌هایی نوبنیادند.

پرادگان بر اساس دانسته‌ها و تجارب هزاران ساله بشری استوار است. هدف پرادگان پایه گذاری یک دیدگاه نو برای زندگی است و این هدف در متن مفاهیمی ساده حاصل شده است. پرادگان در بردارنده یک فلسفه زندگی برای همه انسانهاست. این فلسفه چراغی راهنماست برای یک زندگی هدفمند و پرامید در متن انسان دوستی و عدالت خواهی.

#### پنایه (panaaye) [معادل انگلیسی: primon]

پنایه به معنی ابتدایی ترین مصالح سازنده جهان است. پنایه یکی از عوامل چهارگانه شکل دهنده جهان است (پنایه، فضا، زمان و مجموعه قوانین طبیعی، رجوع شود به بنیاده). واژه پنایه یک واژه نوبنیاد است.

زمانی بود که تصور می‌شد اتم‌ها ابتدایی ترین مصالح سازنده جهانند. بعدها معلوم شد که هر اتم از اجزایی ابتدایی تر تشکیل شده است و هر یک از این اجزاء، به نوبه خود، از اجزایی ابتدایی تر تشکیل شده است، ... در ضمن، معلوم شد که رابطه‌ای تنگاتنگ میان ماده و انرژی وجود دارد. این سلسله کشف‌های دانش بشری به کجا می‌انجامد؟ آن ابتدایی ترین مصالح سازنده جهان که پنایه خوانده می‌شود

به چه صورت است؟ این پرسشها پاسخهای روشنی ندارند. پیشرفت دانش بشری در این زمینه به تدریج به بسیاری ندانسته‌ها روشنی خواهد بخشید. ولی، برای داشتن مفهوم پنایه نیازی نیست که همه خصوصیات آن دانسته باشند. از دیدگاه فلسفه رهانی، پنایه ابتدایی‌ترین مصالح سازنده جهان است، به هر صورت و حالتی که باشد.

مطالب بالا درباره پنایه نباید این شبهه را ایجاد کنند که گویا نکات ندانسته‌ای در رابطه با بنیادهای دیگر وجود ندارند. با یک نگاه سطحی، مفاهیم فضا، زمان و قوانین طبیعی ممکن است ساده و روشن به نظر برسند. ولی، بسیاری از جنبه‌های مربوط به ماهیت و روابط بین این بنیادهای (و روابط این بنیادهای با پنایه) در پرده ابهامند. در واقع، روشنی بخشیدن به ندانسته‌ها در این زمینه‌ها هدفی مهم برای دانش بشری است. از سوی دیگر، هیچیک از مفاهیم پایه‌ای فلسفه رهانی وابستگی به چگونگی جزئیات مربوط به بنیادهای ندارد.

**پنایی (panaayi) [معادل انگلیسی: primonic]**  
واژه پنایی به معنی «مربوط به پنایه» و یا «دربردارنده پنایه» می‌باشد.

**ترامش (taraamesh) [معادل انگلیسی: meditation]**  
ترامش به کار گرفتن توانایی‌های ذهنی خود است برای آرامش یافتن، امیدوار شدن، رهایی پیدا کردن از تنشهای انباشته عصبی، ... ترامش آزاد کردن ذهن است از هر اشتغالی بجز توجه متمرکز بر روی یک موضوع. واژه ترامش یک واژه نو بنیاد است.

ترامش ریشه‌های هزاران ساله دارد و در متن تجربه طولانی بشری روشهای فراوانی برای ترامش پیدا شده‌اند. ولی، این روشهای ترامش اغلب همراه هستند با باورهای خرافی گوناگون و قیود و شروط نالازم. یک ویژگی روشهای رهانی ترامش این است که آنها ساده و بدون از هر نوع خرافه‌اند. در واقع، بیشتر شیوه‌های رهانی ترامش حالاتی ساده شده و خرافه زدایی شده از روشهای آزموده ترامش هستند که در درازای زمان به کار رفته‌اند.

**ترامش گروهی (taraamesh e goruhi) [معادل انگلیسی: group meditation]**  
ترامش گروهی نوعی ترامش است که بیش از یک نفر در آن شرکت داشته باشند.

**جبر و احتمال (jabr o ehtemaal) [معادل انگلیسی: determinism and probability]**  
«جبر و احتمال» نام یک قانون طبیعی است که در متن آن هر گونه تغییر در پدیده‌ها صورت می‌گیرد. رجوع شود به پدیده.

**دنباله (dombaale) [معادل انگلیسی: coda]**  
هر یک از پرادهای دوم، چهارم و پنجم دارای یک قسمت جدای انتهایی است که «دنباله» خوانده می‌شود.

**راه رهانی (raah e rahaani) [معادل انگلیسی: Rahanism, Rahani way]**  
راه رهانی یک شیوه زندگی است که بر پایه فلسفه رهانی استوار می‌باشد. مبانی فلسفه رهانی در پرادگان مطرح شده‌اند (رجوع شود به فلسفه رهانی و پرادگان).

**روند همدادی (ravand e hamdaadi) [معادل انگلیسی: Hamdadial trend]**  
هر یک از تحولات اجتماعی که از خصوصیات حرکت به سوی همداد است یک «روند همدادی» خوانده می‌شود. برای مثال، بهتر شدن سطح حمایت اجتماعی از کودکان یک روند همدادی است و کاهش رشوه خواری یک روند همدادی است. لیستی از روندهای همدادی، در چند گروه، در آغاز پراد دوم داده شده است. ولی، باید توجه داشت که درجه مطرح بودن و اهمیت نسبی این روندها بر حسب تغییر شرایط در مسیر زمان تغییر می‌کنند.

یک روند همدادی حرکت به سوی کمال در یک زمینه اجتماعی است. در مواردی، حالت کمال برای یک روند همدادی را می‌توان به صورتی روشن تعریف کرد. برای مثال، حالت کمال در مورد کاهش رشوه خواری را می‌توان «عدم مطلق رشوه خواری» دانست. ولی، در بسیاری موارد حالت کمال برای یک روند همدادی به طور مشخص قابل تعریف نیست. حالت کمال در حمایت اجتماعی از کودکان مثالی از این گونه است. برای تعریف کمال در این مورد، لازم است مشخص شود که حمایت اجتماعی از کودکان به چه صورتی باید باشد که جایی برای بهتر شدن نداشته باشد، و تدوین چنین تعریفی که برای همیشه معتبر بماند عملی نیست. از سوی دیگر، لزومی ندارد که در رابطه با یک روند همدادی برای کمال تعریف مشخصی وجود داشته باشد. به طور کلی، برای هر روند همدادی کمال را می‌توان حالتی در انتهای راه پیشرفت و بهتر شدن تدریجی در متن آزمون و خطا و تجربه تعبیر کرد. البته، کمال به هر صورتی که تعریف شود، حالتی آرمانی و نارسیدنی است.

**رهانی (rahaani)** [این واژه در انگلیسی هم به کار رفته و به صورت Rahani نوشته می‌شود]  
واژه رهانی به صورت صفت در ترکیباتی مانند «راه رهانی»، «فلسفه رهانی» و «مفهوم رهانی» به کار می‌رود. به حالت اسم، واژه رهانی به معنی «انسان رهانی» است. واژه رهانی از «رهانیدن» گرفته شده است.

**رهانیزم (rahaanizm)** [معادل انگلیسی: Rahanism]  
واژه رهانیزم را می‌توان به صورتی هم معنی با «راه رهانی» به کار برد.

**رهانیست (rahaanist)** [معادل انگلیسی: Rahanist]  
واژه رهانیست را می‌توان به صورتی هم معنی با «انسان رهانی» به کار برد.

**سپانش (sepaanesh)** [معادل انگلیسی: cogitation]  
سپانش به کار گرفتن نیروی تفکر خود است در راهیابی برای روبرو شدن با پیچیدگیهای زندگی. سپانش تمرکز تفکر بر روی یک مشکل زندگی است با هدف بررسی و ریشه یابی مشکل و راهیابی برای مواجهه با آن. سپانش یک حالت خودآگاه و تمرکز یافته از فرایند عادی فکر کردن برای حل مشکلات زندگی است. واژه سپانش یک واژه نوبنیاد است.

**فرآپنایی (faraapanaayi)** [معادل انگلیسی: proprimonc]  
رجوع شود به پدیده.

**فرایش (faraayesh)** [معادل انگلیسی: transcession]  
فرایش به معنی فرایند خودجوشی و خودگردی و دگرگونی همیشگی جهان است. هم چنین، می‌توان گفت که فرایش، در هر لحظه، دربردارنده همه پدیده‌های فرایشی موجود در آن لحظه در جهان است (رجوع شود به پدیده فرایشی). با این تعبیر، فرایش دربردارنده همه کنش‌ها و حرکات و تغییرات در جهان است. فرایش جنبه ای جدایی‌ناپذیر از جهان و، مانند جهان، بی‌آغاز و بی‌پایان است. از نظر واژه‌ای، فرایش به معنی «فرا آمدن» است.

فرایش سمفونی جنبیدن و چرخیدن و پیچیدن و تپیدن همیشگی جهان است. فرایش شامل باریدن باران، جریان داشتن رودها، آب ریزان آبشارها و چرخیدن گرداب‌هاست. فرایش شامل روییدن گندم، به گل نشستن یاسمن، زمزمه کردن درخت بید در نسیم و برگ ریزان بلوط است. فرایش شامل دلباخته شدن، مهر ورزیدن، خندیدن و گرییدن است. فرایش شامل زبانه کشیدن آتش، درخشیدن مهتاب روی دریاچه، چشمک زدن فانوس دریایی و فوران کردن کوه آتشفشان است. فرایش شامل گردیدن ماهواره به دور زمین، رقصیدن منظومه شمسی و زاییده شدن و مردن ستاره هاست.

فرایشی (faraayeshi) [معادل انگلیسی: transcessional] واژه فرایشی به معنی «مربوط به فرایش» می باشد.

### فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی (fa'aaliyyathaa ye siyaasi-ejtemaai)

[معادل انگلیسی: socio-political activities]

فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی عبارتند از تلاش‌های انسانی برای یافتن، تبلیغ و اعمال برنامه‌هایی که به نظر می‌رسد بتوانند شرایط اجتماعی بهتری را ایجاد کنند. فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی به طور معمول در چارچوب احزاب سیاسی و گروه‌های فعال اجتماعی صورت می‌گیرند. یک انسان رهانی می‌خواهد که در جریان رخداد‌های سیاسی-اجتماعی بوده و با شرایط موجود و تاریخ حرکات سیاسی-اجتماعی جامعه آشنا باشد. یک انسان رهانی می‌خواهد که در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی شرکت داشته باشد و می‌خواهد که این فعالیت‌های جهت‌گیری‌های همدادی داشته باشند. از سوی دیگر، فلسفه رهانی نشان‌دهنده آرمان‌های کلی اجتماعی است ولی پیشنهاد‌های مشخصی برای جزئیات فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی در بر ندارد. اعتقاد به فلسفه رهانی نشانگر جهات کلی تمایلات یک انسان در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی است ولی این اعتقاد جزئیات فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی او را تعیین نمی‌کند. این به عهده یک انسان رهانی است که نحوه فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی اش و سازمان‌های مناسب برای این فعالیت‌ها را با نظر و اختیار خود تعیین کند. هم‌چنین، یک انسان رهانی آزاد است تا درجات شرکت خود را در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی بر حسب شرایط و تمایلات شخصی خود تعیین کند. این درجات شرکت می‌توانند از حد پشتیبانی‌های ساده تا حد فعالیت‌های تمام وقت حرفه‌ای باشند.

طبیعی است که یک سازمان سیاسی-اجتماعی پیشرو هدف‌های دراز مدت خود را با دیدی همدادی تعریف کند. ولی، این جهت‌گیری همدادی نمی‌تواند جزئیات برنامه‌های سیاسی-اجتماعی را تعیین کند. دانش بشری در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کمکی مهم در تدوین برنامه‌های مناسب سیاسی-اجتماعی است. ولی، این برنامه‌ها، به طور عمده، از طریق آزمون و خطا و تجربه شکل می‌گیرند. با در نظر داشتن این واقعیت، یک سازمان سیاسی-اجتماعی پیشرو بدون تعصب جهات حرکت خود را پیوسته بازنگری کرده و در صورت لزوم آنها را تصحیح می‌کند. هم‌چنین، خوب است که یک انسان رهانی آمادگی داشته باشد تا، در متن شرایط موجود و تجارب اجتماعی، باورهای سیاسی-اجتماعی خود را بازنگری کرده و آگاه باشد که باورهای خشک و غیرقابل انعطاف سیاسی-اجتماعی می‌توانند زیان‌آور باشند. در واقع، در حالی که مفاهیم فلسفی دیرپا هستند، روش‌های مناسب برای فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی پیوسته در حال تغییرند. هم‌چنین، در حالی که مفاهیم فلسفی می‌توانند به گونه‌ای یکسان راهنمای انسان‌ها در جوامع مختلف بشری باشند، مسیرهای مناسب برای فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی در جوامع مختلف به طور معمول یکسان نیستند.

### فلسفه رهانی (falsafe ye rahaani) [معادل انگلیسی: Rahani philosophy]

فلسفه رهانی به معنی مجموعه باورها و دید‌هایی است که مبانی آنها در پردازش مطرح شده‌اند. فلسفه رهانی اساس یک راه زندگی است که به نام «راه رهانی» خوانده می‌شود. فلسفه رهانی بر پایه دانسته‌ها و تجارب بشری استوار است ولی اعتقاد به این فلسفه (مانند اعتقاد به هر نوع فلسفه زندگی)، به طور عمده، به حالتی احساسی است نه استدلالی.

### کیالش (kiyaalesh) [معادل انگلیسی: admentation]

کیالش به کار گرفتن توانایی‌های ذهنی خود است در مواجهه با بیماری. کیالش دمیدن امید در خود است: امید عمیق به اینکه نیروهای بهبودی بخش بدن می‌توانند بر بیماری پیروز شوند. کیالش یک حالت ترامش است با اضافه شدن بُعد امید به رهایی از بیماری. واژه کیالش یک واژه نوین است.

بعضی انسان‌ها در شرایط نگران‌کننده بیمار بودن به انواع خرافه متوسل می‌شوند تا از بیماری رهایی یابند. این توسل به خرافه انسان بیمار را امیدوار به نجات از بیماری می‌کند و این حالت ذهنی می‌تواند آثاری مفید در مواجهه با بیماری داشته باشد. پس، اگر خرافه اثری در بهبودی بیماری داشته باشد از راه

ایجاد امید است. ولی، چقدر بهتر است که انسان، بدون پناه بردن به خرافه، با ایمان به کارآیی نیروهای بهبودی بخش بدن با بیماری روبرو شده و در خود امید بدمد.

### مراد از زندگی و هستی (moraad az zendegi va hasti)

[معادل انگلیسی: Purpose of life and being]

در پایان پرادگان، دو پرسش متداول مطرح شده‌اند: «مراد از زندگی چیست؟» و «مراد از هستی چیست؟». پاسخ پرادگان به پرسش اول اینست که: «مراد از زندگی زیستن است». تعبیر این پاسخ اینست که مراد از زندگی انسان نه در چیزهایی عجیب و اسرارآمیز بلکه در چیزهایی آشنا مانند غذا خوردن، خندیدن، کار کردن، به موسیقی گوش دادن، عاشق شدن، فرزند پروردن و فعالیت برای پیشبرد عدالت اجتماعی است. در رابطه با نحوه زیستن انسان، در پرادگان، به دنبال پاسخ به پرسش اول آمده است: «و چه خوبست که زیستن انسان رهانی وار باشد».

پاسخ پرادگان به پرسش دوم اینست که: «مراد از هستی بودن است». در اینجا، منظور از هستی «وجود جهان» است که وجود همه چیز را در بر دارد. در پرادگان، به دنبال پاسخ به پرسش دوم آمده است: «و چه خوبست که انسان شکوه بودن جهان را دریابد و خود را پاره‌ای از هستی احساس کند». یک جنبه جالب دو پرسش و پاسخ پایان پرادگان اینست که گویی این پرسش‌ها پاسخ‌های خود را در بر دارند.

### مفهوم رهانی (mafhum e rahaani) [معادل انگلیسی: Rahani concept]

عبارت «مفهوم رهانی» به معنی مفهومی است که مربوط به فلسفه رهانی و یا راه رهانی است (رجوع شود به فلسفه رهانی و راه رهانی).

**همداد (hamdaad)** [این واژه در انگلیسی هم به کار رفته و به صورت Hamdad نوشته می‌شود] همداد یک نظام اجتماعی آرمانی است که در رابطه با حقوق بشر، دسترسی به امکانات و عدالت و امنیت اجتماعی در نهایت کمال باشد. یک ویژگی همه جوامع بشری این است که در مسیرهایی پر از فراز و نشیب و پر از پیچ و خم به سوی همداد در حال حرکتند ولی هیچ جامعه‌ای هرگز به همداد نخواهد رسید. همداد نشانگر کلیت یک نظام اجتماعی عادلانه و انسانی است، بدون اینکه جزئیاتش دانسته و یا مطرح باشند. از نظر واژه‌ای، همداد به معنی «عدالت همه گیر» (همه گیر) + داد است.

هر یک از تحولات اجتماعی که از خصوصیات حرکت به سوی همداد است یک روند همدادی خوانده می‌شود (رجوع شود به روند همدادی). یک روند همدادی حرکت به سوی کمال در یک زمینه اجتماعی است و مسیر هر روند همدادی فراز و نشیبها و پیچ و خمهای مخصوص به خود را در بر دارد. همداد یک نظام اجتماعی آرمانی است که در آن همه روندهای همدادی منجر به کمال شده باشند.

### همدادی (hamdaadi) [معادل انگلیسی: Hamdadial]

واژه همدادی به معنی «مربوط به همداد» می‌باشد.